

# قسمت هشتم: حدود و لحاظ جریان اقسام تحوّل

## فصل دوم: حدود و لحاظ جریان اقسام تحوّل

ظاهراً این اقسام تحوّل شمول فراوان دارد و همه معارف بشری را مشمول خود می نماید و مشکل گزاره ای را بتوان یافت که از تحت تحوّل بتواند خارج و مصون بماند اما چند تذکره مهم در میان است:

### تذکر یکم

جریان تحوّل را اعم از «نزد عالمانی» و «نزد خودمی» لحاظ نموده ایم. یعنی فرد لازم نیست باور صادق یا حدس متاخم به علمش، نزد عموم موجه یا دارای وجاهت تقریر و امکان انتقال به غیر از راه استدلال و امثال آن را داشته باشد. گو اینکه اساساً مراد از معرفت، تصور علمی است که می تواند نزد عالمی باشد که هرگز مطلبش را بیان ننموده باشد (نسخه تماماً لب دوخته) که هیچ بسا به دلیل یا علتی نتواند یا نخواهد تا ابد آن را بیان کند.

پس جریان اقسام تحوّل اعم از گزاره های موجه و قابل نقل و انتقال اند. گو اینکه اعم از باور استدلالی و کشف و شهودند بلکه شامل باورهای موکول به امور تخیلی و نیز گزاره های عرفی در ذهن مرد عامی بسا موهومات مجانین نیز می شود، که البته به دلیل فقدان بالفعل اهمیت، از واریسی این منطقه از تعاملات فهم ها، صرف عنان می کنیم. اما در نهایت، در واریسی های معرفت شناختی اینک، مفهوم تصویری علمی را مفهوم نزد عالمانی تعریف کردیم و

از اعمیت، منصرف شده و موجه بودن آن را ملحوظ کردیم تا میان جمع آییم.

## تذکر دوم

امکان وقوع تحوّل به علتی روان شناختی در گزاره ها جاری است. مثلاً اگر سوال کنیم آیا ممکن است کسی پی از تصدیق به وجود خداوند تبارک و تعالی نعوذ بالله بدلیل عقده یا ظلمانی شدن یا شک معرفت شناختی، در فهمش تحوّل به نقیض راه یابد؟ پاسخ این است که بلی ممکن است اگر چه می دانیم این باور دوم صادق نیست و بسا خداوند از اسم مضل خود فرد را به گمراهی و ظلمت کشانده است. پس جریان تحوّلات لزوماً استکمالی و حرکت به سمت حقیقت لحاظ نشده و بنابراین می تواند منشا آن علت باشد نه دلیل. پس در رواج وقوع و جریان اقسام تحوّل، سنت الهی و سازوکار الهی را لحاظ کرده ایم (هدایت و اضلال الهی)

فایده این لحاظ این است که اگر در جریان وقوع تحوّلات، اعمی بودیم (اعم از دلیل منطقی و علل انفسی) تحذیرات مناسبی را در بهداشت و سلامت تحوّلات معرفت می توانیم ردگیری و آرایه نماییم.

## تذکر سوم

جریان تحوّلات در همه گزاره ها یکسان نیست، نه در امکان منطقی و معرفت شناختی مثل امکان تحوّل منطقی تحوّل به نقیض در گزاره های بدیهی یا مثل وجوب نماز در علم فقه که اساساً و منطقاً ممکن نیست تحوّل به نقیض در آن رخ دهد و در صورت مشاهده این تحوّل باید دنبال علت تحوّل گشت نه دلیل. مثلاً در مورد اول فرد یا مزاح نموده با اختلال حواس یافته است و در مورد دوم یا کلا مشاعر خود را از دست داده است یا استعاره و لغز و شعر

می گوید.

پس جریان تحولات در افهام روال منطقی دارد و کتره، پتره نیست. روال آن اجمالا همین است که غالبا در میان عالمان هست که ما توصیف کردیم. اما علم تفصیلی و خودآگاه شدن علم به تحولات معرفتی، به رشد، توجه، بصیرت و نیز مدیریت تحولات بهینه، امداد بسیار می کند که مصلحت و فایده این واریسی ها را در بردارد و امر روشن است.

### تذکر چهارم

ضرورت دارد همواره در بررسی جریان تحولات، منشا تحول را به تفکیک مبادی و علل روانشناختی و ادله استدلالی، واریسی نماییم، تا از مغلطه و نیز از دام های شیاطین انس و جن و تاثیر قوای غضبیّه، وهمیّه و شهویّه با توکل به خدای متعال و توسّل به اهل بیت علیهم السلام، برهیم. در این مسیر تضرّع، استعاذه و استخاره و نیز توبه دمام که عصای دست حکیم است، از امّهات است.